

International Sanctions Against the Islamic Republic of Iran and the Shift in Power Dynamics in West Asia

Behrouz Hatami¹, Mehdi Khoshkhati², Seyed Farshid Jafari³

¹ Ph.D. Student, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. hatamibehroz64@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran (**Corresponding author**). m.khoshkhati55@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. fjafari@gmail.com

Abstract

Using a descriptive-analytical method and employing the theory of international regimes, this study addresses the question: how have international sanctions against the Islamic Republic of Iran affected shifts in power dynamics in West Asia? The findings indicate that international sanctions have brought substantial changes to Iran's military, economic, and diplomatic policies in the region, intensifying regional rivalries and tensions. Although these sanctions have negatively impacted Iran's economy, they have not fully achieved the West's objectives against the country and have, instead, contributed to increased geopolitical tensions in the region. On the other hand, the Islamic Republic of Iran has mitigated these pressures through diplomatic tools, informal networks, and alternative pathways, maintaining its influence in the region. Furthermore, despite the economic challenges imposed by the sanctions, Iran has bolstered its military power and continued its support for the "Axis of Resistance" in countries like Iraq, Syria, Lebanon, and Yemen, asserting a pivotal role in regional equations and remaining a key player in West Asia.

Keywords: International Sanctions, Islamic Republic of Iran, Power Dynamics, West Asia, United States, Nuclear Energy.

تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران و تغییر الگوهای قدرت در منطقه غرب آسیا

بهروز حاتمی^۱، مهدی خوش‌خطی^۲، سید فرشید جعفری^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

hatamibehroz64@gmail.com

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).

m.khoshkhatti55@gmail.com

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. fjabari@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی جهت آزمون فرضیه‌ها، در کنار بهره‌گیری از نظریه رژیم‌های بین‌المللی، به این پرسش پاسخ دهد که تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری بر تغییر الگوهای موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا داشته است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، باعث تغییرات عمده‌ای در سیاست‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک ایران در منطقه غرب آسیا شده و به افزایش رقابت‌ها و تنش‌های منطقه‌ای دامن زده است. این تحریم‌ها اگرچه اثرات منفی بر اقتصاد ایران داشته است، اما نتوانسته به طور کامل اهداف غرب را در قبال این کشور محقق نماید و بیشتر منجر به افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک در منطقه گردیده است. از طرفی، جمهوری اسلامی ایران از طریق ابزارهای دیپلماتیک و شبکه‌های غیررسمی و راه‌های جایگزین، توانسته به‌نوعی این فشارها را کاهش داده و همچنان نفوذ خود را در منطقه تداوم بخشد. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران با وجود فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، با تقویت قدرت نظامی و تداوم حمایت از محور مقاومت در کشورهایی مانند عراق، سوریه، لبنان و یمن، توانسته است نقشی کلیدی در معادلات منطقه‌ای غرب آسیا ایفا نموده و همچنان به‌عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در منطقه به ایفای نقش بپردازد.

کلیدواژه‌ها: تحریم‌های بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران، الگوهای قدرت، منطقه غرب آسیا، امریکا،

انرژی هسته‌ای.

پژوهش حاضر مستخرج از: رساله دکتری بهروز حاتمی، با عنوان «نقش تحریم‌های بین‌المللی بر قدرت نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی

ایران و موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا (۱۹۷۹-۲۰۲۴)» می‌باشد.

استاد به این مقاله: حاتمی، بهروز؛ خوش‌خطی، مهدی؛ جعفری، سید فرشید (۱۴۰۳). تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران

و تغییر الگوهای قدرت در منطقه غرب آسیا. سیاست‌پژوهی ایرانی، ۱۱(۳)، ص ۷-۲۸.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به یکی از چالش‌های عمده سیاست خارجی این کشور تبدیل شده است. با آغاز تحریم‌ها در پی اشغال سفارت آمریکا در تهران، فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی به مرور زمان افزایش یافت. این تحریم‌ها در حوزه‌های مختلفی از جمله اقتصادی، مالی، تجاری و نظامی، با هدف محدود کردن دسترسی ایران به منابع بین‌المللی و اعمال فشار بر این کشور برای تغییر سیاست‌هایش اعمال شدند. در سال‌های بعد، برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران و همچنین گسترش نفوذ منطقه‌ای این کشور، به‌ویژه در دفاع از محور مقاومت، بهانه‌ای برای تشدید و گسترش دامنه این تحریم‌ها شده است. ماهیت تحریم‌ها عمدتاً بر ابزارهای اقتصادی و نظامی متمرکز بوده و هدف از آن‌ها کاهش توانایی جمهوری اسلامی ایران در تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای و جهانی بوده است. کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده و برخی از کشورهای منطقه، از تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای تضعیف قدرت اقتصادی و نظامی ایران استفاده کردند. در سوی مقابل، جمهوری اسلامی ایران با وجود این فشارها، تلاش کرد با تکیه بر روابط منطقه‌ای و بین‌المللی خود، تحریم‌ها را دور زده و همچنان نقش فعالی در معادلات سیاسی و نظامی منطقه غرب آسیا ایفا نماید. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران یکی از بازیگران اصلی منطقه غرب آسیا می‌باشد و تحریم‌ها به طور مستقیم بر توانایی این کشور در حوزه‌های اقتصادی و نظامی تأثیر می‌گذارند، بررسی تأثیر تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران بر تغییر الگوهای قدرت در منطقه غرب آسیا اهمیت ویژه‌ای دارد. در منطقه‌ای که تعادل قدرت میان بازیگران مختلف به‌طور مداوم در حال تغییر است، هرگونه تغییر در جایگاه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر معادلات قدرت در منطقه غرب آسیا داشته باشد. با توجه به حساسیت این موضوع و پیچیدگی‌های موجود در روابط بین‌الملل و منطقه‌ای، بررسی این تأثیرات نیازمند تحلیل دقیق و علمی است.

۲. چارچوب نظری: رژیم‌های بین‌المللی (رژیم تحریم)

به لحاظ تاریخی در دهه ۱۹۷۰ مسائل بسیاری در خصوص رژیم‌های بین‌المللی^۱ مطرح شدند. در همین زمینه، استفان کراسنر^۲، رژیم‌های بین‌المللی را مجموعه‌ای از اصول، قواعد، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری تعریف کرد که به واسطه آن‌ها، توقعات بازیگران، پیرامون موضوعات خاص با هم تلاقی کرده و بدین وسیله بازیگران، خواسته‌های خود را بر آورده می‌سازند (Krasner, 1983, p. 2).

1. International Regimes
2. Stephen D. Krasner

از نظر وی، رژیم‌های بین‌المللی گاه خود را در قالب سازمان‌ها و نهادهای جهانی نشان می‌دهند؛ مثل سازمان انرژی اتمی و یا سازمان تجارت جهانی و گاه در قالب مجموعه رفتارها، گفتارها و سازمان‌های غیردولتی که مجموعه‌ای از هنجارها و قواعد را در درون خود دارند؛ مثل رژیم جهانی حقوق بشر و یا رژیم تحریم‌ها. این رژیم‌ها، قواعد و هنجارهایی را به وجود می‌آورند که رفتارهای بازیگران بین‌المللی را تنظیم و یا هدایت کرده و امکان مبادله، معامله و کنش متقابل میان آن‌ها را فراهم می‌آورد. این رژیم‌ها به وسیله مجموعه‌ای از دولت‌ها و در تعامل میان آن‌ها و منافع و امنیتشان به وجود می‌آیند و هیچ اقتدار مرکزی نیست که آن‌ها را پدید آورده و یا به آن‌ها دیکته کند (Krasner, 1983, p. 358). امروزه هیچ حوزه‌ای از مرادفات بین‌المللی وجود ندارند که فارغ از رژیم‌ها بوده و دولت‌ها به واسطه وجود مجموعه پذیرفته شده‌ای از قوانین، محدود نشده باشند (لیتل، ۱۳۸۳، ص ۶۷۴).

با پایان جنگ سرد همکاری در موضوعات مختلف جهانی، جایگزین رقابت شده و با مطرح شدن موضوعات جدید در دستور کار جهانی، شورای امنیت تحولاتی را در عملکرد خود تجربه نموده است. یکی از این تحولات، تحول در زمینه تحریم‌ها است. در دوران جامعه ملل و جنگ سرد، اگرچه تحریم‌ها مطرح بوده‌اند، اما سخن گفتن از رژیم تحریم‌ها، موضوعیت نداشت. ضمن آنکه باید به سازمان‌یافتگی بیشتر تحریم‌ها در دوران جنگ سرد و نزدیک شدن به شاخص‌های رژیم بین‌المللی نیز اشاره نمود. پایان جنگ سرد، شروع دوره‌ای از انواع تحریم‌ها است که از آن می‌توان با عنوان «رژیم بین‌المللی تحریم» یاد کرد. سیستم بین‌المللی بدون قطب‌بندی پس از جنگ سرد، ظرفیت منشور ملل متحد و تکامل یافته‌تر شدن سازمان بین‌المللی، امکان مطرح شدن تحریم‌های بین‌المللی جهت نظم بین‌المللی را فراهم نموده است و این سیستم به سمت تولید اصول، قواعد و رویه‌هایی حرکت نموده است که در جهت نهادینه کردن تحریم‌های بین‌المللی در قالب یک رژیم بین‌المللی عمل می‌کند (سجادپور و وکیلی، ۱۳۹۴، ص ۴۱-۴۲). در این میان، تحریم عبارت است از امتناع نظام‌یافته در برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها جهت تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول. با این وجود، چهره تحریم بیشتر در روابط اقتصاد بین‌الملل آشکار می‌گردد، آنجا که کالاها و خدمات یک دولت خاص بایکوت می‌شود (خواجی، ۱۳۹۱، ص ۵). این اصطلاح به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یک دولت توسط دولت دیگر، به مورد اجرا گذاشته می‌شود. از نظر فنی، واژه تحریم، هم برای اقدامات نظامی و هم اقدامات غیرنظامی به کار برده می‌شود، ولی عمدتاً از این واژه برای اقدامات غیرنظامی استفاده می‌شود (مختاری هشی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۶).

۳. روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش، به صورت توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها، کتابخانه‌ای می‌باشد. منابع اصلی شامل کتب، مقالات علمی، گزارش‌های بین‌المللی و داخلی، و تحلیل‌های تخصصی مرتبط با موضوع تحریم‌ها و دینامیک‌های قدرت منطقه‌ای است. در این راستا تلاش شد تا تصویری جامع از تأثیرات مختلف تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران بر موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا ترسیم شود. برای توصیف و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهت‌دار نیز استفاده شده است. در این روش، چارچوب تحلیلی براساس پیش‌فرض‌های نظری و یافته‌های پیشین پیرامون موضوع تحقیق شکل گرفته است، و سپس داده‌های گردآوری شده با این چارچوب، تطبیق داده شد. رویکرد جهت‌دار به محقق این امکان را داده است تا براساس فرضیات مشخص، ابعاد مختلف تأثیر تحریم‌ها را در چارچوب‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی تحلیل نموده و پیامدهای آن‌ها را بر تغییر الگوهای قدرت در منطقه غرب آسیا مورد ارزیابی قرار دهد. این روش تحلیل محتوای کیفی به دلیل انعطاف‌پذیری و قابلیت آن در کشف روابط پیچیده میان متغیرها، به‌ویژه در موضوعات سیاسی و استراتژیک، مناسب بوده است. از این‌رو، یافته‌های به‌دست آمده از این تحلیل توانسته است دیدگاهی جامع‌تر در خصوص چگونگی تأثیر تحریم‌ها بر توازن قدرت میان ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای، همچنین نقش‌آفرینی ایران در محیط ژئوپلیتیکی غرب آسیا ارائه دهد.

۴. سؤال و فرضیه

تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از برجسته‌ترین ابزارهای فشار غرب، تأثیرات گسترده‌ای بر ساختارهای قدرت در منطقه غرب آسیا داشته است. سؤال اصلی پژوهش این است که تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، چه تأثیری بر تغییر الگوهای قدرت در منطقه غرب آسیا داشته است؟ این سؤال درصدد روشن کردن این موضوع است که چگونه تحریم‌ها با ایجاد فشارهای اقتصادی و سیاسی بر ایران، معادلات قدرت در منطقه را دگرگون کرده است. فرضیه‌ای که در این پژوهش مطرح گردید، این است که تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران باعث تغییرات اساسی در رویکردهای نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک ایران شده و در عین حال به تشدید رقابت‌ها و تنش‌های منطقه‌ای منجر شده است. در این زمینه، اگرچه تحریم‌ها به شدت به اقتصاد ایران ضربه زده و تلاش نموده است نفوذ منطقه‌ای آن را محدود کند، اما این کشور توانسته است با ابزارهای دیپلماتیک، توسعه روابط با قدرت‌های بلوک شرق، نظیر چین و روسیه، روابط غیررسمی، تقویت ظرفیت‌های نظامی و تداوم حمایت از گروه‌های هم‌پیمان منطقه‌ای، مانند حزب‌الله

در لبنان و حوثی‌ها در یمن، همچنان به عنوان یک بازیگر کلیدی در معادلات منطقه باقی بماند.

۵. پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل

پیروزی انقلاب اسلامی که میشل فوکو^۱ از آن با تعابیر مختلفی چون «انقلابی با دست‌های تهی» و «ایران، روح یک جهان بی‌روح» و به عنوان نخستین انقلاب پست‌مدرن یاد کرده است، نه تنها موجب بروز تحولات عظیمی در سیستم و نظام بین‌الملل شد، بلکه اعتبار کلیه مکاتب فکری و اندیشه‌ای در غرب، به‌ویژه نظریه‌پردازان در زمینه بروز انقلاب‌ها و همچنین توضیح تحولات در سیاست و نظام بین‌الملل را به چالش کشاند و کارآمدی روش‌شناسی پوزیتیویستی در سیاست بین‌الملل را کاهش داد. میشل فوکو در تعبیری دیگر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران را در قالب «انقلاب به نام خدا» نامید. درحالی‌که هیچ‌یک از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، وقوفی نسبت به نقش سیاسی، هنجاری و ارزشی انقلاب ایران در فضای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی نداشتند (قادری کنگاوری، ۱۳۹۲، ص ۲۲۷-۲۲۸). تحلیل انقلاب اسلامی ایران در سطح کلان نشان می‌دهد که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام ناعادلانه بین‌المللی به وقوع پیوست و ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرد که با منافع قدرت‌های خاص حامی وضع موجود مغایرت داشت. آموزه‌های اسلام در مورد نظام‌های بین‌الملل، اساس شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. انقلاب اسلامی خصلتی جهانی و شعارهای آن بر نفی سلطه قدرت بیگانه متمرکز است و به نوعی پارادایم نو در عصر جدید، در عرصه روابط بین‌الملل را مطرح نمود.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سبب شد که هم در ساختار و هم در کارکرد نظام بین‌الملل، تغییر و تحولاتی اساسی رخ دهد. در ساختار نظام بین‌الملل، با توجه به حاکم بودن نظام دوقطبی، ایجاد جبهه‌ای جدید بدون اتکاء به غرب و شرق، سبب فعال‌تر شدن جنبش عدم تعهد و ملت‌های مستقل شد، تا جایی که توانستند در عرصه روابط بین‌الملل نقش آفرین شوند. از مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی، تقویت محور مقاومت بود (حشمت‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۲۷). یکی از تأثیرات مهم انقلاب اسلامی بر ساختار نظام بین‌الملل، تغییر توازن قدرت در منطقه خاورمیانه بود. قبل از انقلاب، ایران یکی از متحدهای اصلی ایالات متحده در منطقه بود و نقش کلیدی در سیاست‌های غربی در خاورمیانه ایفا می‌کرد. با پیروزی انقلاب، این توازن به شدت تغییر کرد و ایران به یک دشمن سرسخت غرب و به ویژه آمریکا تبدیل شد. این تغییر، روابط منطقه‌ای را دگرگون کرد و اتحادهای جدیدی را شکل داد. در سطح جهانی، انقلاب اسلامی منجر به تشدید رقابت‌های جنگ سرد بین

1. Michel Foucault

بلوک‌های شرق و غرب شد. شوروی و ایالات متحده هر دو به دنبال گسترش نفوذ خود در خاورمیانه بودند و انقلاب ایران این رقابت‌ها را تقویت کرد. ایران به عنوان یک نیروی مستقل و ایدئولوژیک وارد صحنه شد و سیاست‌های دو بلوک را تحت تأثیر قرار داد.

۶. زمینه‌های شکل‌گیری تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران

تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب اسلامی تاکنون، بازتابی از برخورد قدرت‌های جهانی با تغییرات ساختاری و ایدئولوژیکی در ایران و منطقه بوده است. با وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، ایران از یک متحد استراتژیک غرب، به یک دولت انقلابی با شعارهای ضدغربی تبدیل شد که نظم موجود در منطقه را به چالش کشید. انقلاب نه‌تنها حکومت پهلوی را که یک ستون محوری در سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه بود، سرنگون کرد، بلکه به واسطه صدور پیام‌های ضد امپریالیستی، زمینه‌ای برای بی‌اعتمادی عمیق میان ایران و غرب- به‌ویژه ایالات متحده- فراهم کرد. این چرخش ایدئولوژیک، از اولین عوامل کلیدی شکل‌گیری تحریم‌های اولیه علیه ایران بود، که بیشتر جنبه تنبیهی برای سرکوب بلندپروازی‌های انقلابی ایران داشت. با ورود به دهه ۲۰۰۰ و تشدید بحران هسته‌ای، دلایل تحریم‌ها به سمت کنترل ایران به عنوان یک بازیگر با ظرفیت هسته‌ای حرکت کرد. از منظر کشورهای غربی، دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای، تهدیدی جدی برای موازنه قدرت در منطقه و امنیت جهانی محسوب می‌شد. از این‌رو، تحریم‌ها فراتر از یک ابزار صرف اقتصادی، به ابزاری ژئوپلیتیکی تبدیل شد تا از توسعه قابلیت‌های نظامی و نفوذ منطقه‌ای ایران جلوگیری کند. کشورهای غربی از طریق ایجاد اجماع بین‌المللی در سازمان ملل و اتحادیه اروپا، تلاش کردند ایران را در تنگنای اقتصادی قرار دهند و از این طریق قدرت چانه‌زنی خود را در مذاکرات هسته‌ای افزایش دهند.

علاوه بر این، تحریم‌ها منعکس‌کننده تغییرات در نظم بین‌المللی و رویکردهای ژئوپلیتیکی بوده است. با گسترش نقش ایران در منطقه و حمایت از گروه‌های نیابتی همچون حزب‌الله، حماس و نقش آن در جنگ‌های داخلی سوریه و یمن، تحریم‌ها از یک ابزار اقتصادی به یک سازوکار پیچیده برای مقابله با نفوذ ژئوپلیتیکی ایران تبدیل شدند. در این شرایط، تحریم‌ها دیگر تنها به مسئله هسته‌ای محدود نمی‌شدند، بلکه بخشی از استراتژی کلی غرب و متحدانش برای مهار توسعه طلبی منطقه‌ای و کنترل قدرت نرم و سخت ایران در غرب آسیا محسوب گردیدند. با وجود توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ (برجام) و لغو برخی تحریم‌ها، خروج آمریکا از این توافق در سال ۲۰۱۸ و بازگشت تحریم‌ها، به ویژه تحریم‌های اقتصادی شدید، به طور قابل توجهی اقتصاد ایران را تحت فشار قرار داده و بر تعاملات منطقه‌ای و جهانی ایران، تأثیر گذاشته است.

۷. حوزه‌های مختلف تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران

تحریم‌های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی جامعه بین‌المللی، به خصوص ایالات متحده و اتحادیه اروپا، به چندین حوزه مختلف تقسیم می‌شوند که هر یک به نوبه خود تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد و جامعه ایران داشته‌اند. این تحریم‌ها شامل تحریم‌های اقتصادی، بانکی و مالی، نظامی و تسلیحاتی، نفت و گاز و حقوق بشری هستند. هدف اصلی این تحریم‌ها، فشار بر دولت ایران برای تغییر سیاست‌های داخلی و خارجی آن بوده است.

- **تحریم‌های اقتصادی:** تحریم‌های اقتصادی، یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین دسته‌های تحریم‌ها علیه ایران هستند. این تحریم‌ها شامل محدودیت‌های اعمال شده بر تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری خارجی و دسترسی به بازارهای جهانی می‌شوند. این تحریم‌ها با هدف کاهش درآمدهای ارزی ایران و محدود کردن توانایی این کشور در تأمین منابع مالی، برای برنامه‌های هسته‌ای و نظامی اعمال شده‌اند (Katzman, 2022a, p. 45). تحریم‌های اقتصادی تأثیرات وسیعی بر زندگی روزمره مردم ایران داشته‌اند و باعث افزایش نرخ بیکاری، کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت کالاهای اساسی شده‌اند.

- **تحریم‌های بانکی و مالی:** تحریم‌های بانکی و مالی با هدف جلوگیری از دسترسی ایران به سیستم مالی جهانی و محدود کردن توانایی این کشور در انجام تراکنش‌های بین‌المللی اعمال شده‌اند. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت‌های اعمال شده بر بانک‌ها و مؤسسات مالی ایرانی، مسدود کردن دارایی‌های ایران در بانک‌های خارجی و محدودیت‌های اعمال شده بر نقل و انتقالات مالی بین‌المللی می‌باشند (Nephew, 2017, p. 73). این تحریم‌ها باعث کاهش شدید نقدینگی و افزایش هزینه‌های تراکنش‌های مالی برای ایران شده‌اند، که به نوبه خود تأثیرات منفی بر اقتصاد کشور داشته‌اند.

- **تحریم‌های نظامی و تسلیحاتی:** تحریم‌های نظامی و تسلیحاتی با هدف محدود کردن توانایی نظامی ایران و جلوگیری از توسعه تسلیحات پیشرفته توسط این کشور اعمال شده‌اند. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت‌های واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی از سوی ایران می‌باشند. این محدودیت‌ها تأثیرات قابل توجهی بر توانایی دفاعی ایران داشته و موجب کاهش توانایی این کشور در مدرن‌سازی نیروهای نظامی و توسعه تسلیحات جدید شده است.

- **تحریم‌های نفت و گاز:** تحریم‌های نفت و گاز به دلیل اهمیت حیاتی این صنعت برای اقتصاد ایران، تأثیرات گسترده‌ای بر این کشور داشته است. این تحریم‌ها شامل محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اعمال شده بر صادرات نفت و گاز ایران، و نیز محدودیت‌های اعمال شده بر سرمایه‌گذاری‌های

خارجی در این صنعت می‌باشند. تحریم‌های نفت و گاز باعث کاهش شدید درآمدهای ارزی ایران و محدود کردن توانایی این کشور در تأمین نیازهای اساسی اقتصادی شده‌اند.

- **تحریم‌های انسانی و حقوق بشری:** این تحریم‌ها با هدف فشار بر دولت ایران برای بهبود وضعیت حقوق بشر و احترام به حقوق شهروندان اعمال شده است. این تحریم‌ها شامل محدودیت‌های اعمال شده بر افراد و نهادهای مرتبط با نقض حقوق بشر، و نیز تحریم‌های اعمال شده بر کالاهای خاص به منظور جلوگیری از استفاده آن‌ها در نقض حقوق بشر ادعایی آمریکا می‌باشند. این تحریم‌ها تأثیرات اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای داشته و باعث افزایش فشارهای داخلی بر دولت ایران برای بهبود وضعیت حقوق بشر شده است.

۸. اهداف تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران

تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران با اهداف متنوع و پیچیده‌ای طراحی و اجرا شده‌اند. هرکدام از این اهداف با توجه به شرایط منطقه‌ای، بین‌المللی و داخلی ایران شکل گرفته و از سوی کشورهای مختلف پیگیری گردید. این اهداف را می‌توان در چند سطح به شرح ذیل تحلیل نمود.

- **مهار برنامه هسته‌ای ایران:** یکی از اهداف اصلی و فوری تحریم‌ها، جلوگیری از توسعه برنامه هسته‌ای ایران و به‌ویژه جلوگیری از دستیابی ایران به توانایی ساخت سلاح هسته‌ای بوده است. کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا، از آن بیم داشتند که برنامه هسته‌ای ایران به اهداف نظامی تبدیل شود. نگرانی‌های مرتبط با این موضوع شامل عدم شفافیت ایران در فعالیت‌های هسته‌ای و مقاومت در برابر نظارت بین‌المللی بود. از دید این کشورها، تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای اعمال فشار اقتصادی و سیاسی بر دولت ایران و وادار کردن آن به پذیرش توافقات بین‌المللی همچون برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به‌کار گرفته شدند. در نهایت، هدف این بود که ایران فعالیت‌های حساس هسته‌ای خود را محدود کند و در ازای آن بخشی از تحریم‌ها برداشته شود.

- **تضعیف توان نظامی و نفوذ منطقه‌ای ایران:** هدف دیگر تحریم‌ها، کاهش قدرت نظامی ایران و محدود کردن توانایی آن برای نفوذ در منطقه خاورمیانه بوده است. از دید کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آن‌ها (مانند اسرائیل و عربستان سعودی)، ایران نقش فعالی در حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی و دخالت در منازعات منطقه‌ای داشته است. به‌عنوان مثال، حمایت ایران از حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن، و نیروهای شبه‌نظامی در سوریه و عراق به‌عنوان عامل بی‌ثباتی منطقه تلقی می‌شود. تحریم‌های تسلیحاتی و مالی با هدف قطع منابع مالی و تجهیزاتی ایران برای حمایت از این گروه‌ها و تضعیف شبکه‌های نفوذ منطقه‌ای آن اعمال شدند. هدف کلیدی این بود که ایران نتواند با استفاده از قدرت نظامی و غیرنظامی خود به گسترش نفوذ در کشورهای همسایه ادامه دهد و تهدیدی

علیه منافع کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آن‌ها ایجاد کند.

- **تغییر رفتار دولت ایران در سیاست خارجی:** تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری برای تغییر رفتار دولت ایران در سطح بین‌المللی و داخلی طراحی شده‌اند. ایالات متحده و متحدانش، از تحریم‌ها به‌عنوان راهی برای وادار کردن ایران به اتخاذ سیاست‌هایی مسالمت‌آمیزتر در حوزه روابط خارجی و کاهش تنش‌های منطقه‌ای استفاده کرده‌اند. از دیدگاه این کشورها، تحریم‌ها می‌توانند فشار اقتصادی و سیاسی کافی بر حکومت ایران وارد کنند تا رفتارهای مداخله‌جویانه خود را در خاورمیانه کاهش دهد و رویکرد دیپلماتیک‌تری را در پیش بگیرد. در این زمینه، اقدامات نظارتی و محدودیت بر انتقالات مالی و تجاری ایران هدفمند بوده تا دسترسی ایران به منابع مالی خارجی که از آن‌ها برای حمایت از گروه‌های نیابتی استفاده می‌کند، مسدود شود.

- **ترویج حقوق بشر و اصلاحات داخلی:** تحریم‌ها علاوه بر سیاست خارجی ایران، به مسائل داخلی آن نیز مربوط بوده‌اند. نگرانی‌های بین‌المللی درباره نقض حقوق بشر در ایران، به‌ویژه پس از سرکوب معترضان و فعالان سیاسی، یکی از دلایل اصلی فشارهای بین‌المللی بوده است. کشورهایی که از این تحریم‌ها حمایت می‌کنند، معتقدند که تحریم‌ها می‌توانند دولت ایران را وادار به کاهش سرکوب داخلی، احترام به حقوق بشر، و پذیرش برخی اصلاحات سیاسی کنند. این فشارها در مواردی شامل تحریم مقامات ارشد دولتی و امنیتی بوده که به طور مستقیم در سرکوب اعتراضات و نقض حقوق بشر دست داشته‌اند.

- **به‌کارگیری تحریم به‌عنوان اهرم مذاکراتی:** یکی از اهداف کلیدی تحریم‌ها، فراهم کردن یک اهرم برای مذاکرات با ایران بوده است. کشورهای غربی تحریم‌ها را به‌عنوان ابزاری برای افزایش هزینه‌های اقتصادی و سیاسی ایران به‌گونه‌ای اعمال کرده‌اند که ایران مجبور به ورود به مذاکرات و پذیرش شروط آن‌ها شود. این استراتژی در مذاکرات هسته‌ای منجر به توافق برجام شد. اما پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و بازگشت تحریم‌های شدیدتر، هدف این تحریم‌ها این بود که ایران را به میز مذاکره بازگرداند و توافق جامع‌تری که نه تنها شامل موضوع هسته‌ای، بلکه شامل سایر مسائل همچون برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران باشد، شکل بگیرد.

در مجموع، اهداف تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، چندلایه و در برخی موارد متضاد هستند. از یک‌سو، هدف این است که ایران از برنامه‌های هسته‌ای و نظامی خود دست بکشد و رفتارهای بین‌المللی‌اش تغییر کند. از سوی دیگر، برخی کشورها، مانند ایالات متحده، به دنبال ایجاد تغییرات اساسی در نظام سیاسی ایران بوده‌اند. این تفاوت در اهداف و پیچیدگی‌های آن باعث شده که تحریم‌ها همواره به‌صورت یک ابزار چندوجهی و با نتایجی متغیر و غیرقابل پیش‌بینی عمل نمایند.

۹. تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا

موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین معادلات ژئوپلیتیکی جهان شناخته می‌شود. این منطقه با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی حساس خود، منابع عظیم انرژی و تنوع فرهنگی و مذهبی، همواره صحنه رقابت‌های شدید بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است. کشورهای کلیدی مانند عربستان سعودی، ایران، اسرائیل و ترکیه، هر یک با اهداف و استراتژی‌های متفاوت، به دنبال گسترش نفوذ و قدرت خود در این منطقه بوده‌اند. این رقابت‌ها، با تحولات بین‌المللی نظیر جنگ‌های عراق و افغانستان، بحران سوریه و اختلافات اعراب و اسرائیل، به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است. تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، به ویژه تحریم‌های اقتصادی و نظامی، یکی از ابزارهای کلیدی غرب در تغییر موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا بوده است. این تحریم‌ها که عمدتاً به رهبری ایالات متحده علیه ایران اعمال شده‌اند، با هدف تضعیف نفوذ و توانمندی‌های نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته شده‌اند. از سال ۱۹۷۹ به بعد، به ویژه پس از بحران گروگان‌گیری سفارت ایالات متحده در تهران، تحریم‌های گسترده‌ای علیه ایران اعمال شده است. این تحریم‌ها تأثیرات عمده‌ای بر سیاست‌های داخلی و خارجی ایران و نیز بر موازنه قدرت در منطقه داشته‌اند که مهم‌ترین مؤلفه‌های آن در ادامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۹-۱. توسعه راهبردهای نظامی نامتقارن در منطقه غرب آسیا توسط ایران

تحریم‌ها علاوه بر تأثیرات مستقیم بر تولید و توسعه تجهیزات نظامی جمهوری اسلامی ایران، بر راهبردهای نظامی و دکترین دفاعی این کشور در منطقه غرب آسیا نیز تأثیرگذار بوده است. ایران به دلیل محدودیت‌های تحریمی، به دنبال راهبردهای نامتقارن برای مقابله با دشمنان قدرتمندتر خود در منطقه رفته است. این راهبردها شامل استفاده از نیروهای نیابتی، جنگ‌های نامتقارن و عملیات‌های سایبری می‌شود. به عنوان مثال، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی ایران در جنگ‌های نیابتی در منطقه عمل می‌کند، که نمونه بارز آن‌ها حمایت از گروه‌های شیعه در عراق، حزب‌الله در لبنان و حوثی‌ها در یمن است (Maloney, 2015, p. 151). این استراتژی به ایران امکان داده است تا با هزینه کمتر و بدون درگیر شدن مستقیم با دشمنان خود، نفوذ خود را در کشورهایمانند عراق، سوریه، لبنان و یمن افزایش دهد. حمایت ایران از این گروه‌ها به تغییر موازنه قدرت در این کشورها و به طور کلی در منطقه غرب آسیا کمک کرده است. تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران به طور مستقیم و غیرمستقیم توانایی این کشور برای توسعه و تأمین تسلیحات نظامی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. تحریم‌های اقتصادی شدید، از جمله تحریم‌های نفتی، باعث کاهش

درآمدهای دولت ایران و محدودیت‌های شدید در تأمین مالی برنامه‌های نظامی این کشور شده است. کاهش درآمدهای نفتی به معنای کاهش بودجه نظامی و کاهش توانایی ایران برای خرید تسلیحات پیشرفته از بازارهای بین‌المللی بوده است (Katzman, 2020a, p. 93).

۹-۲. گسترش روابط و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران به منظور مقابله با تحریم‌های بین‌المللی و تقویت امنیت منطقه‌ای، به افزایش تلاش‌های دیپلماتیک برای حفظ و گسترش روابط خود با کشورهای همسایه و سایر قدرت‌های منطقه‌ای روی آورده است. این کشور به منظور مقابله با انزوای بین‌المللی، به دنبال تقویت روابط با کشورهایی مانند عراق، سوریه و لبنان بوده است. این روابط به ایران امکان داده است تا نفوذ خود را در این کشورها حفظ نموده و حتی گسترش دهد. همکاری‌های نظامی و اقتصادی با این کشورها به ایران کمک نموده است تا فشارهای بین‌المللی ناشی از تحریم‌ها را کاهش داده و موازنه قدرت در منطقه را به نفع خود تغییر دهد. استراتژی ایران در ایجاد ائتلاف‌ها و ائتلاف‌های نظامی منطقه‌ای و انگیزه‌ها و دستاوردهای آن به شرح ذیل می‌باشد:

- **توسعه همکاری‌های نظامی با عراق:** ایران و عراق به دلیل اشتراکات مذهبی و منافع مشترک منطقه‌ای، همواره روابط نزدیکی داشته‌اند. بعد از سقوط صدام حسین و افزایش نفوذ گروه‌های تروریستی مانند داعش، ایران نقش مهمی در حمایت از دولت عراق و گروه‌های شبه‌نظامی شیعه ایفا کرده است (Felbermayr & et al., 2019, p. 66). همکاری‌های نظامی بین دو کشور شامل آموزش و تجهیز نیروهای عراقی و مشارکت در عملیات‌های مشترک ضدتروریسم بوده است.

- **اتحاد استراتژیک با سوریه:** سوریه یکی از مهم‌ترین متحدان منطقه‌ای ایران است. همکاری‌های نظامی ایران و سوریه از زمان جنگ داخلی این کشور شدت گرفته است. ایران با حمایت از دولت بشار اسد، نقش مهمی در حفظ حکومت وی و مقابله با گروه‌های مخالف و تروریستی ایفا کرده است (Ghods, 2019, p. 5). این همکاری‌ها شامل اعزام نیروهای نظامی و مشاوران نظامی، تأمین تجهیزات نظامی و کمک‌های مالی بوده است.

- **همکاری با حزب الله لبنان:** حزب الله لبنان به عنوان یکی از مهم‌ترین نیروهای نیابتی ایران در منطقه، نقش کلیدی در سیاست‌های منطقه‌ای تهران دارد. ایران با ارائه حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و آموزشی به حزب الله، این گروه را به یکی از قدرتمندترین بازیگران نظامی در لبنان و منطقه تبدیل کرده است (Garoupa & Gata, 2002, p. 41). این همکاری‌ها به ایران امکان داده تا نفوذ خود را در لبنان و جبهه‌های مقاومت علیه اسرائیل افزایش دهد.

- **روابط نظامی با روسیه:** ایران و روسیه به دلیل منافع مشترک در منطقه، همکاری‌های نظامی خود

را تقویت نموده‌اند. این همکاری‌ها به ویژه در جنگ سوریه نمود بیشتری پیدا کرده است. ایران و روسیه با حمایت از دولت سوریه، نقش مهمی در تغییر معادلات جنگ و شکست گروه‌های تروریستی ایفا کرده‌اند (Haidar, 2017, p. 319). این همکاری‌ها شامل هماهنگی‌های عملیاتی، تبادل اطلاعات و تأمین تجهیزات نظامی بوده است. در مجموع، گسترش روابط و همکاری‌های نظامی منطقه‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران، بخشی از استراتژی کلان این کشور برای مقابله با تحریم‌های بین‌المللی و تقویت امنیت ملی بوده است. جمهوری اسلامی ایران با ایجاد اتحادهای و ائتلاف‌های نظامی با کشورهای همسایه، توانسته است تا توان نظامی و بازدارندگی خود را افزایش داده و تأثیرات منفی تحریم‌ها را نیز کاهش دهد. این استراتژی همچنین به ایران امکان داده است تا در تحولات منطقه‌ای، نقش مؤثرتری ایفا نموده و منافع ملی خود را نیز تأمین نماید.

۹-۳. تلاش ایران برای ائتلاف‌سازی با کشورهای فرامنطقه‌ای

یکی از اثرات بلندمدت تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، تغییر در سیاست‌های خارجی این کشور و تلاش برای ایجاد ائتلاف‌های جدید با کشورهای فرامنطقه‌ای و سازمان‌های بین‌المللی بوده است. این تلاش‌ها شامل همکاری‌های اقتصادی، نظامی و فرهنگی با کشورهای غیرغربی مانند روسیه و چین می‌شود. این روابط به ایران امکان داده است تا با وجود تحریم‌ها، همچنان به برخی از نیازهای اقتصادی و نظامی خود دست یافته و نفوذ خود را در معادلات منطقه‌ای حفظ نماید. این تلاش‌های دیپلماتیک همچنین به ایران کمک نموده است تا از انزوای بین‌المللی خود کاسته و حمایت‌های بین‌المللی را جلب نماید. این تلاش‌ها شامل تقویت روابط با کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا نیز می‌شود. ایران با استفاده از این روابط، تلاش نموده است تا نفوذ خود را در سایر نقاط جهان گسترش داده و از این طریق از انزوای بین‌المللی خود بکاهد و ضمن کاهش فشارهای ناشی از تحریم‌ها، به عنوان یک بازیگر مهم در معادلات بین‌المللی باقی بماند (Maloney, 2015, p. 158). یکی از استراتژی‌های مهم ایران در آمریکای لاتین، استفاده از دیپلماسی فرهنگی و عمومی است. ایران با ایجاد مراکز فرهنگی شیعه و شبکه‌های تلویزیونی مانند «هیسپان تی وی»^۱، تلاش نموده است تا نفوذ فرهنگی خود را در این منطقه گسترش دهد. این تلاش‌ها به منظور ایجاد یک تصویر مثبت از ایران و جلب حمایت‌های مردمی در مقابل سیاست‌های تحریمی آمریکا صورت می‌گیرد (IRI, 2022, p. 22). ایران و ونزوئلا در سال‌های اخیر، چندین توافقنامه استراتژیک امضاء کرده‌اند که شامل همکاری در حوزه‌های نفت، گاز و دفاعی است. این

همکاری‌ها به ایران کمک نموده تا از زیرساخت‌های ونزوئلا برای دور زدن تحریم‌های اقتصادی استفاده کند (FMSO, 2023, p. 88). ایران در سال‌های اخیر تلاش نموده است تا روابط خود را با کشورهای آفریقایی نیز تقویت کند. این روابط، بیشتر بر مبنای همکاری‌های اقتصادی و نظامی استوار بوده است. از این رو با ارائه کمک‌های نظامی و آموزش نیروهای نظامی کشورهای آفریقایی، سعی داشته است تا نفوذ خود را در این قاره گسترش دهد. این استراتژی، به خصوص در کشورهایی مانند سودان و نیجریه که دارای جمعیت شیعه هستند، موفقیت‌آمیز بوده است (Bajoghli, 2023, p. 322). این سرمایه‌گذاری‌ها به ایران کمک می‌کنند تا منابع مالی مورد نیاز برای مقابله با تحریم‌های بین‌المللی را تأمین کند.

۹-۴. تقویت همکاری‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای مخالف جمهوری اسلامی ایران

تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران تأثیرات گسترده‌ای بر توازن قوا و سیاست‌های منطقه‌ای در خاورمیانه داشته است. این تحریم‌ها نه تنها اقتصاد ایران را تحت فشار قرار داده است، بلکه منجر به تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای مخالف ایران نیز شده است. کشورهای خاورمیانه، به ویژه آن‌هایی که نگرانی‌های امنیتی نسبت به ایران دارند، از فرصت تحریم‌ها برای تقویت همکاری‌های نظامی و سیاسی با یکدیگر و با قدرت‌های فرامنطقه‌ای استفاده کرده‌اند (Katzman, 2020b, p. 30). از جمله این ائتلاف‌ها می‌توان به تقویت روابط بین اسرائیل و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس اشاره کرد. این کشورها با نگرانی از نفوذ ایران در منطقه، به دنبال تقویت همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی با یکدیگر بوده‌اند. تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های مالی ایران باعث شده است که این کشورها احساس امنیت بیشتری در تقابل با ایران داشته باشند و بتوانند به راحتی برنامه‌های مشترک خود را پیش ببرند (Gause, 2014, p. 45).

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران همچنین باعث افزایش نقش کشورهای فرامنطقه‌ای در خاورمیانه شده است. به ویژه، ایالات متحده آمریکا با تقویت حضور نظامی خود در منطقه و افزایش همکاری‌های امنیتی با کشورهای عربی، به دنبال ایجاد یک جبهه متحد علیه ایران بوده است. این همکاری‌ها شامل فروش تسلیحات پیشرفته، ایجاد پایگاه‌های نظامی و ارائه حمایت‌های اطلاعاتی به کشورهای عربی بوده است (Kaye, 2018, p. 98). در همین راستا، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران باعث تقویت روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی شده‌اند. توافقات نام‌های ابراهیم که بین اسرائیل و امارات متحده عربی و بحرین به امضاء رسید، نمونه‌ای از این تحولات است. این توافقات نام‌ها نه تنها روابط دیپلماتیک بین این کشورها را عادی‌سازی نموده است، بلکه به ایجاد همکاری‌های نظامی و امنیتی بین آن‌ها نیز منجر شده است (Riedel, 2017, p. 147). تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران

همچنین باعث شده است که کشورهای منطقه به دنبال ایجاد اتحادیه‌های اقتصادی و تجاری نیز باشند تا از تأثیرات منفی تحریم‌ها علیه ایران بر اقتصاد خود کاسته و به توسعه اقتصادی خود ادامه دهند. این اتحادیه‌ها به کشورها امکان می‌دهند که بدون نیاز به همکاری با ایران، به تبادل کالا و خدمات پرداخته و از فرصت‌های اقتصادی جدید بهره‌برداری کنند (Legrenzi, 2011, p. 101).

۹-۵. تأثیر تحریم‌ها بر کمیّت و کیفیت حمایت ایران از نیروهای نیابتی در منطقه

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران با محدود کردن توانایی‌های اقتصادی و نظامی ایران، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تعاملات سیاسی و نظامی این کشور در منطقه تأثیرگذار بوده است (Haidar, 2017, p. 55). این تحریم‌ها با محدود کردن توانایی ایران در تأمین منابع مالی برای گروه‌های نیابتی و متحدان خود در منطقه، تأثیر عمده‌ای بر فعالیت‌های این گروه‌ها نیز داشته است. برای مثال، کاهش درآمدهای نفتی ایران باعث شد که این کشور نتواند به‌طور مؤثر از حزب‌الله لبنان، گروه‌های شیعه در عراق و حوثی‌های یمن حمایت کند. این مسئله باعث تضعیف نسبی این گروه‌ها و کاهش نفوذ ایران در برخی از مناطق شده است (Jones, 2019, p. 112). هرچند که ایران با استفاده از استراتژی‌های غیرمستقیم و حمایت‌های غیرمالی همچنان تلاش کرده است تا نفوذ خود را حفظ کند. از سوی دیگر، تحریم‌ها باعث افزایش فشارهای داخلی بر دولت ایران برای کاهش هزینه‌های نظامی و تمرکز بر مسائل داخلی شده است. این فشارها منجر به کاهش اولویت‌دهی به حمایت از نیروهای نیابتی و تمرکز بیشتر بر مسائل داخلی ایران شده است. با این حال، تحریم‌ها باعث کاهش توانایی ایران در استفاده از شبکه‌های مالی بین‌المللی برای انتقال پول و منابع به نیروهای نیابتی شده است. این موضوع منجر به افزایش هزینه‌ها و کاهش کارایی انتقال منابع مالی به نیروهای نیابتی شده است. تحریم‌های بین‌المللی همچنین باعث افزایش فشارهای دیپلماتیک بر ایران برای کاهش حمایت از نیروهای نیابتی شده بود. کشورهای غربی و منطقه‌ای با استفاده از تحریم‌ها و فشارهای دیپلماتیک، تلاش کرده‌اند تا ایران را به کاهش حمایت از نیروهای نیابتی وادار کنند. با توجه به تأثیرات گسترده تحریم‌ها، ایران به دنبال راه‌های جدیدی برای حمایت از نیروهای نیابتی خود بوده است. این راه‌ها شامل استفاده از روش‌های غیرمستقیم مانند ارائه کمک‌های انسانی و مالی از طریق واسطه‌ها و شبکه‌های غیررسمی بوده است. این روش‌ها به ایران امکان داده است که با وجود تحریم‌ها، همچنان به حمایت از نیروهای نیابتی خود ادامه دهد.

۹-۶. محدودیت در خرید و فروش سلاح و تجهیزات نظامی توسط ایران

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران تأثیرات عمیقی بر توانایی این کشور در خرید و فروش سلاح و

تجهیزات نظامی داشته است. این تحریم‌ها که به مرور زمان شدت گرفته است، به ویژه پس از بحران گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهران، نقش مهمی در محدودیت‌های نظامی علیه ایران ایفا کرده است. تحریم‌های سازمان ملل، ایالات متحده، و اتحادیه اروپا، همگی به صورت گسترده‌ای صادرات و واردات تجهیزات نظامی به ایران را محدود نموده است. به عنوان مثال، تحریم‌های ایالات متحده از سال ۱۹۷۹ آغاز شد و طی سال‌ها با تصویب قوانین جدید و اعمال محدودیت‌های بیشتر، به شدت افزوده شد (Cordesman, 2009, p. 112). این تحریم‌ها نه تنها فروش سلاح‌های متعارف، بلکه فناوری‌های دوگانه و قطعات یدکی نظامی را نیز شامل گردید. این محدودیت‌ها بر توانایی ایران در نوسازی و نگهداری از تسلیحات نظامی موجود خود تأثیر بسزایی داشته است. در مقابل، ایران برای جبران این محدودیت‌ها، تلاش نموده است به تولید داخلی تجهیزات نظامی روی آورد. این کشور به‌ویژه در زمینه موشک‌های بالستیک و پهپادها موفقیت‌هایی کسب کرده است. با این حال، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، همچنان تأثیر منفی بر توانایی ایران در رقابت نظامی با کشورهای همسایه خود دارد. به عنوان مثال، ایران به دلیل کمبود قطعات یدکی و فناوری‌های پیشرفته، در نگهداری و ارتقاء ناوگان هوایی و زرهی خود با مشکلات جدی مواجه است.

تحریم‌های مالی و بانکی مرتبط با خرید و فروش سلاح‌ها، هزینه‌های معاملات نظامی جمهوری اسلامی ایران را نیز به شدت افزایش داده و این کشور را مجبور کرده است تا از روش‌های غیرمتعارف و پنهانی برای تأمین نیازهای نظامی خود استفاده کند. این امر باعث افزایش هزینه‌ها و کاهش کیفیت تجهیزات وارداتی شده است (Katzman, 2020a, p. 45). به‌رغم تلاش‌های ایران برای دور زدن تحریم‌ها، شواهد نشان می‌دهد که تحریم‌ها تأثیرات قابل‌توجهی بر برنامه‌های دفاعی این کشور داشته است. به عنوان مثال، برنامه هسته‌ای ایران که بخشی از استراتژی دفاعی این کشور است، به شدت تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفته است. توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۵ تلاشی برای کاهش این تحریم‌ها و بازگشت ایران به بازارهای بین‌المللی بود. اما خروج ایالات متحده از این توافق در سال ۲۰۱۸ و بازگشت تحریم‌ها، بار دیگر تأثیرات منفی گسترده‌ای بر برنامه‌های نظامی ایران گذاشته است (Maloney, 2019, p. 147). به طور کلی، تحریم‌های بین‌المللی نقش مهمی در محدود کردن توانایی ایران در خرید و فروش سلاح‌ها و تجهیزات نظامی ایفا نموده است. این تحریم‌ها نه تنها دسترسی ایران به تسلیحات پیشرفته را محدود نموده است، بلکه هزینه‌های نگهداری و نوسازی تجهیزات موجود را نیز به شدت افزایش داده است. این امر باعث شده تا ایران به توسعه صنایع دفاعی داخلی خود روی بیاورد، اما همچنان با چالش‌های بزرگی در حفظ و ارتقاء توان نظامی خود مواجه است.

۹-۷. توسعه تسلیحات و فناوری‌های بومی توسط ایران

تحریم‌ها باعث شده است که ایران به توسعه فناوری‌های بومی و افزایش تولید داخلی تسلیحات روی آورد. این رویکرد نه تنها به ایران امکان داده است تا نیازهای نظامی خود را به طور مستقل تأمین کند، بلکه به این کشور کمک نموده است تا قدرت خود را در منطقه به نمایش بگذارد. توسعه موشک‌های بالستیک، پهپادهای پیشرفته و سیستم‌های پدافند هوایی توسط ایران، نشانه‌ای از این تلاش هاست. این توانایی‌ها به ایران امکان داده است تا حتی با وجود تحریم‌ها، قدرت نظامی خود را در منطقه غرب آسیا حفظ نموده و نمایش دهد و به عنوان یک بازیگر مهم در منطقه باقی بماند. این کشور با توجه به تحریم‌های گسترده، به توسعه و تولید پهپادهای پیشرفته‌ای نظیر خانواده شاهد روی آورده است. این پهپادها توانایی‌های نظارتی و تهاجمی قابل توجهی دارند و در عملیات‌های مختلف در منطقه خاورمیانه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. تحریم‌ها همچنین باعث شده است که ایران به توسعه سیستم‌های پدافند هوایی نیز بپردازد. در این زمینه، این کشور به موفقیت‌های قابل توجهی دست یافته است، از جمله توسعه سامانه‌های پدافند هوایی بومی مانند باور ۳۷۳ که شباهت زیادی به سامانه اس-۳۰۰ روسی دارد. این سامانه‌ها به ایران امکان می‌دهند تا حریم هوایی خود را بهتر محافظت کرده و تهدیدات هوایی را کاهش دهد (Fitzpatrick, 2019, p. 102). تحریم‌ها همچنین باعث شده است تا ایران به توسعه و تولید تسلیحات خودکفایانه بیشتری روی آورد. ایران توانسته است تجهیزات نظامی مختلفی را تولید کند که شامل تانک‌ها، خودروهای زرهی، سیستم‌های توپخانه‌ای و سلاح‌های سبک می‌شود. برای مثال، تانک کرار به عنوان یک نمونه از توانایی ایران در تولید تانک‌های پیشرفته بومی شناخته می‌شود. این تانک با استفاده از فناوری‌های داخلی، طراحی و ساخته شده و به نیروهای مسلح ایران تحویل داده شده است. علاوه بر توسعه تسلیحات و تجهیزات نظامی، تحریم‌ها بر روی نوآوری‌های صنعتی نظامی ایران نیز تأثیرگذار بوده است. ایران مجبور شده است تا در زمینه مهندسی معکوس و استفاده از فناوری‌های موجود برای توسعه محصولات جدید در حوزه نظامی پیشرفت کند. به عنوان مثال، ایران با استفاده از مهندسی معکوس، موفق به تولید نمونه‌های داخلی از تجهیزات پیشرفته نظامی خارجی شده است. این رویکرد به ایران اجازه داده تا با وجود تحریم‌ها، توانایی‌های نظامی خود را بهبود بخشیده و نوآوری‌های جدیدی را نیز معرفی نماید.

۱۰. نتیجه‌گیری

تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران در پی نگرانی‌های جامعه جهانی درباره برنامه هسته‌ای این کشور و همچنین مسائل مرتبط با توسعه تسلیحات موشکی، حقوق بشر، حمایت از گروه‌های مسلح نیابتی در منطقه آغاز شد. اصلی‌ترین دلیل اعمال این تحریم‌ها، تلاش ایران برای

دستیابی به فناوری هسته‌ای و توسعه تسلیحات موشکی بوده است که کشورهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده، آن را تهدیدی برای امنیت بین‌المللی تلقی می‌کردند. در نتیجه، سازمان ملل، ایالات متحده و اتحادیه اروپا، به صورت متوالی، تحریم‌های گسترده‌ای را در حوزه‌های اقتصادی، مالی و تسلیحاتی علیه جمهوری اسلامی ایران وضع کردند. ماهیت این تحریم‌ها عمدتاً چندبُعدی بود و شامل محدودیت‌هایی در صادرات نفت و گاز ایران، ممنوعیت دسترسی به نظام مالی بین‌المللی، مسدود کردن دارایی‌های خارجی و ممنوعیت معاملات تجاری با نهادها و افراد خاص ایرانی می‌شد. هدف این تحریم‌ها، افزایش فشار در حوزه‌های متعدد به خصوص بخش اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران به منظور مجبور کردن این کشور به پذیرش مذاکرات و تعدیل سیاست‌های هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای خود بوده است. این تحریم‌ها تأثیرات عمیقی بر اقتصاد ایران گذاشت و باعث کاهش درآمدهای نفتی، افزایش تورم و محدودیت در دسترسی به کالاهای ضروری و خدمات مالی بین‌المللی شد.

تحریم‌ها همچنین تأثیرات عمیقی بر ساختار قدرت در منطقه غرب آسیا داشته است. از یک‌سو، تحریم‌ها منجر به تضعیف اقتصاد ایران شده و قابلیت‌های این کشور در تأمین منابع مالی و نظامی گروه‌های نیابتی خود در منطقه را کاهش داده است. این تضعیف اقتصادی در کنار محدودیت‌های دیپلماتیک و نظامی، به تدریج موقعیت ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده و زمینه را برای تغییرات در الگوهای قدرت منطقه‌ای فراهم کرده است. در این فرآیند، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دیگر، مانند عربستان سعودی، اسرائیل و ایالات متحده، تلاش کرده‌اند تا خلاء قدرت ناشی از محدودیت‌های ایران را پر کنند. از سوی دیگر، تحریم‌ها ایران را به سمت تقویت روابط با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند چین و روسیه سوق داده است. این کشورها از تحریم‌های غرب به عنوان فرصتی برای گسترش نفوذ خود در منطقه استفاده کرده و با ایران به تعاملات اقتصادی و نظامی جدیدی پرداخته‌اند. این موضوع به تغییر موازنه‌های قدرت سنتی در منطقه به‌ویژه در تقویت نقش روسیه و چین در معادلات منطقه‌ای منجر شده است.

علاوه بر این، تحریم‌ها موجب شده است که ایران سیاست خارجی خود را براساس مقاومت و تقابل تنظیم کند. این سیاست‌ها به جای تضعیف نفوذ ایران، به نوعی به تقویت هژمونی این کشور در برخی مناطق منجر شده است؛ زیرا ایران از ابزارهای جدیدی برای تقویت نفوذ خود استفاده کرده است. افزایش قدرت نیروهای نیابتی در عراق، سوریه، لبنان و یمن، نمونه‌هایی از این استراتژی‌ها می‌باشد که توانسته است نفوذ ایران در منطقه را حفظ کند. در عین حال، تحریم‌ها باعث افزایش فشارهای داخلی بر حکومت ایران نیز شده است که می‌تواند در درازمدت به تغییرات در سیاست

داخلی و خارجی این کشور منجر شود. این فشارها ممکن است ایران را مجبور به مذاکره و تعدیل سیاست‌های منطقه‌ای خود کند، به‌ویژه اگر تحریم‌ها همچنان ادامه داشته باشند و فشارهای اقتصادی و اجتماعی بیشتری بر مردم ایران وارد کنند. به‌طور کلی، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، نه تنها اقتصاد این کشور را تضعیف نموده است، بلکه به تغییرات قابل توجهی در موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا نیز دامن زده است. با این حال، ایران از طریق اتحادهای جدید و تغییر رویکردهای استراتژیک خود، توانسته است بخشی از این فشارها را خنثی نموده و همچنان به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای باقی بماند.

منابع

- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۴). مقدمه و چارچوبی برای بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی. پژوهش، شماره ۱۲، ص ۲۱۲-۲۳۴.
- خواجه، غلامرضا (۱۳۹۱). تحریم اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حقوق بین‌الملل اقتصادی و حق توسعه. حقوق اقتصادی، (۲)۱۹، ص ۱-۲۰.
- سجادپور، سید کاظم؛ وکیلی، فرهاد (۱۳۹۴). رژیم تحریم‌های بین‌المللی: بنیان‌ها، فرایندهای تصمیم‌ساز، نهادهای مجری و سنجش کارایی. روابط خارجی، (۱)۷، ص ۳۹-۶۴.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۲). نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل؛ رویکرد ایرانی - اسلامی نفی سبیل و برخورد با سلطه. سیاست دفاعی، ۲۱(۸۲)، ص ۱۹۱-۲۴۸.
- لیتل، ر. (۱۳۸۳). رژیم‌های بین‌المللی. در: جان بیلس و استیو اسمیت: جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و همکاران. تهران: موسسه مطالعات فرهنگی ابرار معاصر.
- مختاری هشی، حسین (۱۳۹۴). تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر عوامل قدرت ملی؛ با تأکید بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل بر علیه جمهوری اسلامی ایران. ژئوپلیتیک، ۱۱(۲)، ص ۱۳۴-۱۷۳.
- Bajoghli, N. (2023). Iran in Latin America: Building Alliances for Busting Economic Sanctions. *Humanity: An International Journal of Human Rights, Humanitarianism, and Development*, 14(2), p. 309-324.
- Cordesman, A.H. (2009). Iranian Weapons of Mass Destruction: The Birth of a Regional Nuclear Arms Race? *Praeger*, Available at: <https://a.co/d/6qoTDbW>
- Felbermayr, G.J., Syropoulos, C., Yalcin, E. & Yotov, Y. (2019). On the effects of sanctions on trade and welfare: New evidence based on structural gravity and a new database. *CESifo Working Paper*, No. 7728. Available at: <https://www.cesifo.org/en/publications/2019/working-paper/effects-sanctions-trade-and-welfare-new-evidence-based-structural>
- Fitzpatrick, M. (2019). *Iran's Ballistic Missile Capabilities: A Net Assessment*. International Institute for Strategic Studies.
- FMSO (2023). *Iran's Strategic Alliances in Africa: A Growing Influence*. Foreign Military Studies Office.
- Garoupa, N.R. & Gata, J.E. (2002). A theory of international conflict management and sanctioning. *Public Choice*, 110(1-2), p. 41-65.
- Gause, F.G. (2014). Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War. *Brookings Institution Press*. Available at: <https://www.brookings.edu/articles/beyond-sectarianism-the-new-middle-east-cold-war/>
- Ghods, M. (2019). *Iran's Endogenous Role in the International Economic System*. in Heinz Gärtner and Mitra Shahmoradi (Hrsg.), *Iran in the International System. Between Great Powers and Great Ideas* (S. 1-29). Routledge.

- Haidar, J.I. (2017). Sanctions and export deflection: Evidence from Iran. *Economic Policy*, 32(90), p. 319-355. <https://doi.org/10.1093/epolic/eix002>
- International Republican Institute (IRI) (2022). *Foreign Authoritarian Influence in Latin America: Iran's Growing Reach*. Available at: <https://www.iri.org/news/foreign-authoritarian-influence-in-latin-america-irans-growing-reach/>
- Jones, S.G. (2019). War by Proxy: Iran's Growing Footprint in the Middle East. *Center for Strategic and International Studies*. Available at: <https://www.csis.org/analysis/war-proxy-irans-growing-footprint-middle-east>
- Katzman, K. (2020a). *Iran Sanctions*. Congressional Research Service. Available at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf>
- Katzman, K. (2020b). Iran's Foreign and Defense Policies. *Congressional Research Service*. Available at: https://www.everycrsreport.com/files/20200130_R44017_381c9dad5c438629d12bcec0dcd25f7416b93294.pdf
- Kaye, D.D. (2018). *The Israeli–American Connection: Its Roots, Development, and Perpetuation*. Wayne State University Press. Available at: <https://a.co/d/5PTG8Yu>
- Krasner, S.D. (1983). *International Regimes*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Legrenzi, M. (2011). *The GCC and the International Relations of the Gulf: Diplomacy, Security and Economy Coordination in a Changing Middle East*. Available at: Tauris. <https://a.co/d/5JQGt8k>
- Maloney, S. (2015). *Iran's Political Economy since the Revolution*. Cambridge University Press.
- Nephew, R. (2017). *The Art of Sanctions: A View from the Field*. Columbia University Press.
- Riedel, B. (2017). *Kings and Presidents: Saudi Arabia and the United States since FDR*. Brookings Institution Press. Available at: <https://a.co/d/gnz7G8E>